**مشاهده تاملی**

* **مشاهده تاملی یعنی رسیدن به یک نگاه همه جانبه و کل نگر.**
* **زمانی که فرد در موقعیت یادگیری قرار می گیرد، حواس گوناگون خود را به کار می گیرد و با دریافت داده های حسی خام از محیط پیرامون راه را برای دستیابی به شناخت هموار می‌سازد. مشاهده‏ای که در آن تمامی حواس فرد به کار بسته می شود و او را قادر به دیدن جزئیات و صورت های مختلف یا ابعاد مختلف موقعیت می‌کند.**

**تأمل یعنی تفکر مجدد، تأمل هنگامی صورت می گیرد که شما لحظه ای مکث می کنید تا پس از رخ دادن رویدادی، با برگشت به عقب به آن بیاندیشید. آن رویداد را به ذهن می آورید و در مورد آن بیشتر فکر می کنید.**

**«چه اتفاقی افتاد؟»**

**«چگونه؟» و**

**«چرا؟» تبدیل می‌شود.**

**عمل فکورانه**

**هدف عمل فکورانه  آن است که حرکت از کنش های روتین و روزمره‏ای که ریشه در تفکر عرفی دارد را به سوی کنش فکورانه که از تفکر حرفه‏ای بر می خیزد و ریشه در منابع مبتنی بر شواهد بیرونی(مشاهدات) یا یافته های نظری دارد را پشتیبانی‌کند.   بعبارتی عمل فکورانه:**

* **دیدن از طریق لنز دانش آموزان**
* **دیدن از طریق لنز همکاران**
* **من از مشاهداتم از حرفه‏ای های با تجربه چگونه بیاموزم؟**

**روایت**

* **روایت چیست؟**
* **قالبی که برای بیان تجربیات داریم روایت است. بر این اساس،تکلیف مهم دوره های کارورزی «روایت» است.**
* **روایت مجموعه ای رخداد است که با آن سر و کار داشته اید و آمیخته با احساسات و پیش فرض های ماست؛ پیش فرض ها و احساساتی که ما را از فرد دیگر متمایز می کند.**
* **در روایت ما با یک چشم بیرونی اتفاقی را می بینیم.**

**روایت به چه کار می آید؟**

* **روایت ها باعث می شوند ما زبان مشترکی برای گفتگو پیدا کنیم.**
* **روایت ها حاوی توصیف و دریافت های ما از رخدادها هستند و از این حیث، نشان دهنده ی احساسات، پیش فرض ها وباورهایی هستند که در پس ذهن ما وجود دارند.**

**سطح نوشتن تاملی**

**1- توصیف**

* **بخشی از کار مشاهده ی تأملی «توصیف» ماست که با واقعیت آمیخته است.**
* **خبره تربیتی فردی است که به کلاس وارد می شود و هر آنچه که می بیند را بسیار شبیه به منتقدی که از نمایشگاهی بازدید می کند، می نویسد و یادداشت می کند. این امر به این خاطر است که «هیچ مفهومی بدون اطلاعات حسی شکل نمی‌گیرد» (آیزنر، 2005).**
* **به گونه ای نگاه کن گویی دوربینی دست توست.**
* **«توصیف» بیان ویژگی های کمی یا کیفی هر چیز است.**

**این تابلوتوسط سیمی به ضخامت 30 میلی متر بسته شده است.(ویژگی کمی)**

**این تابلو نو نیست چون آثا ر نوشته های قبلی روی تابلو پاک نمی شود.(ویژگی کیفی)**

* **«توصیف» بیانگر هر آن چیزی است که وجود دارد؛ آن چیزی که با حواس خود می بینیم.**
* **توصیف اطلاعات را همانگونه که هست ارائه می دهد.**
* **محصول «توصیف» در همه ی افراد کم و بیش یکسان است.**
* **2- دریافت ها و احساسات**
* **«دریافت» ها ی ما با ادراک و منطق پیوند می خورد.**
* **«دریافت» ها ی ما نیز بار ارزشی کمی دارند و از این جهت مانند باورها نیستند.**
* **«دریافت» ها با توجه به تجربیات شخصی متفاوت است. ما در این بخش بر اساس تجربیات شخصی به استدلال می پردازیم.**

**این تابلو توسط سیم نازکی بسته شده و به راحتی باز می شود.**

* **3- قضاوت**
* **در مقابل ، «قضاوت» ها بار ارزشی دارند.**
* **«قضاوت» ناظر به باورهای ماست و با ارزشهای شخصی افراد سروکار دارد. بنابراین در «قضاوت» ما به درستی یا نادرستی و خوبی یا بدی کاری اشاره می کنیم.**

**سیم بسته شده به تابلو نمای بدی را در کلاس بوجود آورده بود .**

* **«دریافتها وقضاوتها» قابل تفسیرند و برای رسیدن به یک فهم مشترک از آن ها، نیازمند پیدا کردن یک زبان مشترک با یکدیگر هستیم.**
* **نقطه ی آغاز این زبان مشترک «توصیف» ما از واقعیات و ارائه ی شواهد حسی برای رخدادهاست.بر این اساس از «مشاهده» که هم ما می بینیم و هم دیگران، «گفتگو» آغاز می شود.**
* **«توصیف» های ما بر «دریافت» و «قضاوت» هایمان تاثیر می گذارند.**
* **مجموعه ی باورها (یا مفروضات) ما بسیار با تجربیات بسیار دور ما آمیخته اند.**
* **باور ها بر لایه ی دریافت ها ی ما تاثیر می گذراند.**
* **وقتی روایت را با قضاوت شروع می کنیم معمولا موضع گیری اتفاق می افتد.**

**نتیجه گیری:مشاهدات را توصیف و بوسیله دریافت و قضاوت قابل فهم بکنیم.**

**واکاوی تجربیات (در پرانتز قرار دادن تجربه ها)**

* **ما با واکاو ی تجربیات شخصی خود، خود را کشف می کنیم و از عمل خود می آموزیم. به این عمل اصطلاحا "در پرانتز قرار دادن تجربه ها" گفته می شود؛**
* **در «پرانتز» فرد، تا جایی که امکان دارد، تجربه های خود را به کناری می نهد تا بتواند از زاویه تازه ای به پدیده مورد بررسی بنگرد، گویی که برای نخستین بار به آن پدیده نگاه می‌کند.**
* **شما فقط با واکاوی تجربیات می توانید بفهمید که چه باورهایی این تجربیات را پشتیبانی می کنند.هر چه این اطلاعات با جزییات بیشتری بیان شوند تصویر بهتری از باورها در می یابید.**